

بررسی علت‌های شکست دولت برآمده از تحولات موسوم به انقلاب رنگی در قرقیزستان

صادق زیبا کلام*

استاد گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

داود افشاری

کارشناس ارشد مطالعات ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمد کریم‌زاده

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۷/۴ - تاریخ تصویب ۸۹/۹/۱۷)

چکیده

تحولات اخیر در قرقیزستان و دیگر کشورهای آسیای مرکزی، برای ناظران سؤال‌های زیادی ایجاد کرد و بحث در مورد علت‌های این حوادث از موضوع‌هایی است که توجه تحلیل‌گران زیادی را به خود جلب کرده است. هدف این مقاله، بررسی علت‌های مؤثر بر شکست دولت برآمده از تحولات سیاسی موسوم به انقلاب رنگی^۱ در قرقیزستان است، که منجر به انتقال قدرت از دولت قربان‌بیک باقی‌یف^۲ به دولت موقت، به رهبری رزا آتنبایووا^۳ شده است. مقاله در پاسخ به چرایی این شکست، نخست به بررسی مختصر پیشینه تاریخی این کشور می‌پردازد و سپس علت‌های این شکست را، به دو دسته داخلی (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی) و بین‌المللی (سازمان‌های غیردولتی، آمریکا و روسیه) تقسیم کرده و در پایان به نقد و ارزیابی مباحث طرح شده پرداخته است. به هر حال درک واقع‌بینانه از علل این تحولات مستلزم به‌کارگیری رهیافتی چند علتی و نگرش جامع و کامل به این کشورها است.

کلیدواژه‌ها

قرقیزستان، انقلاب رنگی، آمریکا، روسیه، رزا آتنبایووا، قربان‌بیک باقی‌یف.

* Email: zibakalam1@yahoo.com

1. Tulip Revolution
2. Kurmanbek Saliyevich Bakiyev
3. Roza Isakovna Otunbayeva

مقدمه

قرقیزستان با جمعیت ۵ میلیونی در قسمت شمال شرقی آسیای مرکزی واقع شده و پایتخت آن بیشکک است. قبل از پیروزی کمونیست‌ها در اتحاد شوروی، قرقیزستان بخشی از ترکستان روسیه بود. سپس در سال ۱۹۲۶ یکی از جمهوری‌های اتحاد شوروی شد. قرقیزستان پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ مستقل شد و عسگر آقایف^۱ به ریاست جمهوری این کشور رسید (شیرازی و مجیدی، ۱۳۸۲، صص ۱۹۶-۱۹۳). از اقدام‌های او در سال ۲۰۰۳، اضافه کردن اصلاحیه‌ای به قانون اساسی بود تا اموال رؤسای جمهور، پس از پایان دوره آنها تحت حفاظت قانون قرار گیرد. علاوه بر این، آقایف با اعلام نظر دادگاه قانون اساسی قرقیزستان، مبنی بر این که به دلیل شرایط و خدمات ویژه آقایف قانون اساسی اجازه می‌دهد او بار دیگر رئیس‌جمهور شود و بر کرسی ریاست جمهوری بنشیند (کولایی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۲).

در صورتی که اصل ۵۴ قانون اساسی قرقیزستان تأکید دارد، رئیس‌جمهور نمی‌تواند بیش از دو دوره در این مقام بماند (کولایی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۳). دوران ریاست‌جمهوری آقایف تا سال ۲۰۰۵ به مدت ۱۴ سال یعنی نزدیک به سه دوره متوالی تداوم داشت با این حال در جریان انتخابات مجلس سال ۲۰۰۵ که با رد صلاحیت نامزدهای مخالف دولت در پارلمان و تعطیلی برخی روزنامه‌ها و ایستگاه‌های تلویزیونی و رادیویی همراه بود، حامیان آقایف به پیروزی قاطعی دست یافتند. در پی اعلام نتایج، مخالفان دولت که هم از تداوم ریاست‌جمهوری آقایف ناراضی بودند و هم نتایج انتخابات را خلاف واقع می‌دانستند، اعتراض‌های خود را از شهرهای جنوبی آغاز کردند (Abazov, 2007, p. 533). در همین راستا اعتراض‌هایی در ۲۴ مارس ۲۰۰۵ آغاز شد که با تصرف مراکز دولتی و کاخ ریاست‌جمهوری همراه بود. اعتراض‌ها با پناهنده شدن عسگر آقایف به روسیه به ثمر رسید و در نهایت قربان بیگ باقی‌اف رئیس‌جمهور شد.

دوران باقی‌یف

باقی‌یف در آغاز دوره ریاست‌جمهوری برنامه‌ای مبتنی بر تحکیم دموکراسی، افزایش نظارت مردم، بهبود شرایط اقتصادی و ریشه‌کنی فساد ارائه داد (Bakiev, 2005, p. 3). اما

1. Askar Akayevich Akayev

گذشت بیش از ۵ سال از دوران ریاست جمهوری وی، بسیاری از شهروندان و مخالفان دولت را متقاعد کرد که طی این مدت باقی‌یاف نه تنها به وعده‌هایش عمل نکرده است، بلکه وضعیت کشور بدتر از قبل در حال تداوم است. با این وجود پیش‌بینی می‌شد که باقی‌یاف نتواند در چهارمین دوره ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹، حد نصاب لازم را برای پیروزی دوباره در انتخابات بدست آورد.

اما نتایج انتخابات حکایت از کسب بیش از هفتاد و هفت درصد آرا و پیروزی باقی‌یاف بر ۵ نامزد رقیب داشت. البته نتیجه این انتخابات مورد تأیید کاندیداهای رقیب و مخالفان دولت نبود و اعتراض‌هایی را هم به دنبال داشت. در پی تشکیل جنبش واحد ملی قرقیزستان، احزاب در نشست ۲۷ مارس ۲۰۱۰ درباره احتمال راه‌اندازی تظاهرات و راهپیمایی در برخی استان‌های قرقیزستان در اعتراض به سیاست‌های دولت این کشور و عدم رعایت حقوق بشر، وضعیت نابسامان اقتصادی و تشدید فقر و افزایش قیمت‌ها خبر دادند.

آغاز بحران

افزایش بهای برق و بالا رفتن ناراضیاتی عمومی از فساد دستگاه اداری دولت قرقیزستان، زمینه‌های ناراضیاتی عمومی از عملکرد رهبری این کشور را عمیق‌تر کرد. شرایط قرقیزستان با تجمع مردم در مقابل دفتر مرکزی حزب سیاسی مخالف آته مکین^۱ به حالت اضطراری در آمد. درگیری میان مخالفان و نیروهای امنیتی، در شهر شمالی تالاس^۲ آغاز شد. دولت بیشکک^۳ که در پی تحولات سال ۲۰۰۵ بر سرکار آمد و اکنون کنترل اوضاع را در حال از دست رفتن می‌دید، آمادگی خود را برای گفت‌وگو با مخالفان اعلام کرد. کار به جایی رسید که نخست‌وزیر، اوسنوف^۴ برای آرام کردن مردم به شهر نارین سفر کرد، که البته نتیجه‌ای در برداشت (Clifford, 2010). با تشدید اعتراض‌های عمومی، همان روز رئیس‌جمهور از فرودگاه ماناس^۵ به زادگاهش شهر اوش^۶ در جنوب گریخت و به تزلزل بیشتر دولت و اطرافیان

1. Ata Meken Socialist Party

2. Talas

3. Bishkek

4. Daniar Toktogulovich Usenov

5. Manas Air Base

6. Osh

دامن زد (Nichol, 2010). روز بعد خانم آتنبایوا، وارد کاخ ریاست جمهوری شد و در دیدار با دینیار اوسنوف، نخست‌وزیر قرقیزستان، عزل دولت و تشکیل یک دولت موقت را اعلام کرد. از جمله اقدام‌هایی که دولت موقت قرقیزستان به محض شروع کار خود انجام داد؛ انحلال پارلمان، انتصاب استانداران جدید و اعلام پیوستن ارتش به دولت موقت بود (Kuchukeeva, 2010, p. 2).

این ناآرامی‌ها یادآور اعتراض‌هایی است که در ماه مارس ۲۰۰۵ به سقوط عسگر آقایف، رئیس‌جمهور قرقیزستان منجر شد. این خشم و عصبانیت، منطقه‌ای ناآرام و البته استراتژیک را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بنابراین امکان رخ دادن حوادثی از این دست، برای دیگر کشورهای آسیای مرکزی دور از ذهن نیست. نکته قابل توجه در این کشور که تا حدودی آن را به اوکراین و برخی دیگر از کشورهای منطقه مرتبط می‌کند، تلاش‌های مردمی برای پایان دادن تحولات معروف به انقلاب‌های رنگی است که در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ قدرت را در دست گرفتند. در این ارتباط در روزهای شروع سال نو میلادی نیز در جریان برگزاری پنجمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اوکراین، ویکتور یوشچنکو رئیس‌دولت برآمده از اعتراض‌های موسوم به انقلاب نارنجی سال ۲۰۰۴، شکست سنگینی را متحمل شد.

از یک‌سو وقوع این دو تحول مهم در فاصله تقریباً دو ماه، می‌تواند شکستی سنگین در کارنامه غرب و در رأس آنها ایالات متحده و برنامه‌های این کشور در عرصه سیاست خارجی باشد. از سوی دیگر دلایل شکست دولت‌های برآمده از اعتراض‌های سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵، بسیار اهمیت دارد. با توجه به اینکه این مسئله می‌تواند همه کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار دهد و امواج آن به دیگر کشورها نیز سرایت کند، شناخت دلایل این اعتراض‌ها می‌تواند در جلوگیری از تکرار این مسئله راه‌گشا باشد.

ریشه‌های بحران در قرقیزستان

از آنجا که شکست دولت برآمده از انقلاب رنگی در قرقیزستان، مباحث جدیدی را در این منطقه مطرح کرده است و با وجود تلاش‌های تحقیقاتی، نظریه قانع‌کننده‌ای در این مورد وجود ندارد، سعی داریم چارچوب قانع‌کننده‌ای در این مورد ارائه دهیم.

تقریباً در همه حوادثی که در این منطقه رخ می‌دهد، دو دیدگاه متفاوت در مورد علت‌های وقوع آنها وجود دارد. یکی از این دیدگاه‌ها عوامل داخلی از جمله نبود دموکراسی و تلاش برای دستیابی به آن، فساد اقتصادی و سیاسی، نقض مقررات انتخاباتی و مسائل دیگر را مدنظر قرار می‌دهد. دیدگاه دوم بیشتر بر جایگاه بین‌المللی و ژئوپلیتیک این کشورها انگشت گذاشته است و علت‌های این حوادث را قدرت‌های بین‌المللی می‌داند. در چارچوبی که این مقاله موضوع را مورد بحث قرار داده، هر دو دیدگاه مورد توجه قرار گرفته است. قرقیزستان تا چندی قبل به‌عنوان جزیره دموکراسی نامیده می‌شد. جایی که در آن جامعه مدنی بهترین فرصت شکل‌گیری و فعالیت را یافته بود و آزادترین و متنوع‌ترین مطبوعات منطقه را داشت (Bingol, 2004, p. 57).

حال در قرقیزستان چه گذشت که مردم در برابر دولتی قرار گرفتند که تنها ۵ سال از عمر آن می‌گذشت و با رأی ۷۸ درصد مردم روی کار آمده بود؟ چه عواملی باعث شد که دولت باقی‌یافت در عرض ۴۸ ساعت سقوط کند؟ این مقاله در راستای پاسخگویی به این سؤال علل این حوادث را به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم می‌کنیم. عوامل داخلی به عواملی گفته می‌شود که دولت‌ها را از درون تضعیف و پایه‌های سقوط آنان را فراهم می‌کند. این عوامل زاینده سیاست‌های غلط حاکمان این کشورها است. عوامل خارجی به آن دست از عواملی گفته می‌شود که بیرون از مرزهای یک کشور به ایجاد شورش و بحران در آن کشور کمک می‌کند. یا به‌عبارت دیگر به عواملی که قدرت‌های بزرگ برای رسیدن به منافع و اهداف خود در منطقه بوجود می‌آورند.

الف- عوامل داخلی

۱- سیاسی

- روش دیکتاتوری و فشار بر مخالفان و رسانه‌ها
 نخبگان حاکم در دولت‌های آسیای مرکزی علاوه بر تثبیت تدریجی قدرت، با حذف دستگاه‌هایی که نگاه‌داشتن آنها در قدرت بی‌نتیجه است و دریافت درآمد حاصل از اقتصاد به نفع خود، به سرکوب مخالفان سیاسی، آزادی بیان و رسانه‌ها پرداخته‌اند. اکثر این کشورها

به دلیل پسماندهای ذهنی و ساختاری ناشی از سیستم انتخاباتی شوروی به گونه‌ای جریان انتخابات را سازماندهی کرده‌اند که تفاوت‌های زیادی با معیارهای پذیرفته شده بین‌المللی دارد (واعظی، ۱۳۸۴، ص ۵۲).

نبود فرهنگ دموکراتیک در این کشورها به شکل کلی به عدم تمایل نداشتن آموزش قشرهای اجتماعی و نبود آگاهی و ادراک جمعی نسبت به راهکارهای رایج انتخاباتی منجر شده است. همچنین رفتار حاکمان در قبال مخالفان سیاست‌های اداره کشور و تلاش برای حذف آنها و بهره‌گیری از روش‌های غیردموکراتیک برای اداره نظام سیاسی کشور، مشکل دیگری است که پیش روی جوامع سیاسی در این کشورها قرار دارد. چنین رژیم‌هایی در جهت مسلط کردن اعضای یک گروه قومی یا یک قبیله از راه متمرکز ساختن قدرت در دست یک فرد و یا خانواده‌اش گام برمی‌دارند. نظام سیاسی قرقیزستان نیز جدا از این مسائل نیست. تحولات سیاسی در قرقیزستان دست کم تا حدی توسط سه عامل: ضعف در اجرای آرمان‌های سیاسی، اهمیت تداوم روابط قومی- نژادی در سیاست، و دینامیک ناگوار استبدادگرایی رقم می‌خورند. در نتیجه نهادهای سیاسی به‌طور معمول بسیار ضعیف و فاسد هستند و توانایی شهروندان در تغییر و تحول مسالمت‌آمیز بسیار محدود است.

اگرچه قانون اساسی قرقیزستان خواستار تفکیک سه قوه از یکدیگر است، اما در حقیقت قدرتمندترین نهاد سیاسی و اجرایی در عمل، قوه اجرایی بوده است که نفوذ قابل توجهی در تصمیم‌های مجلس و حتی دادگاه‌ها داشته است. قانون اساسی حتی اجازه داده که رئیس جمهوری قرقیزستان با عملکرد گسترده مانند تعریف جهت‌گیری‌های اساسی سیاست خارجی (ماده ۴۲)، نظارت بر کار دولت قرقیزستان (ماده ۷۲) و تغییر و یا متمم دادن به قانون اساسی قدرت زیادی را در تصرف خود داشته باشد (کولایی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۸). باقی‌یاف در سال ۲۰۰۵ متعهد شد که تحت رهبری وی قرقیزستان به اصول دموکراسی یعنی اقتصاد آزاد و آزادی عقیده و مطبوعات احترام خواهد گذاشت. اما چیزی نگذشت که خط‌مشی اقتدارطلبانه در پیش گرفت.

دولت باقی‌یاف، مخالفان را به شدت تحت فشار قرار داده و به شکنجه و سرکوب آنها روی آورده بود. رسانه‌های جمعی را محدود و فعالیت روزنامه‌نگاران مستقل را با مشکلات زیادی مواجه کرده بود. باقی‌یاف در طول ریاست جمهوری خود، با احیای قانون اساسی سال

۲۰۰۳، کلیه اصلاحات انجام شده پس از سال ۲۰۰۵ را از بین برد و قدرت خود را تحکیم بخشید. از جمله اینکه باقی‌یاف همچنین در ماه مارس اعلام کرده بود که قصد انحلال انتخابات و جایگزینی دموکراسی مشورتی را دارد (Owen, 2010, p. 1). در یک کلام، باقی‌یاف تغییراتی را در ساختار دولت مهندسی کرد که به تحکیم بیشتر قدرتش انجامید.

- خویشاوند سالاری

انتصاب‌های فامیلی و حضور پر رنگ خانواده ریاست جمهوری در نقش‌های مهم سیاسی، یکی از ویژگی‌های مشخص همه کشورهای آسیای مرکزی است. جامعه قرقیزستان، مانند بسیاری دیگر از کشورهای آسیای مرکزی، برای خانواده و قبیله، ارزش بسیاری قائل است. در نتیجه اعضای خانواده به صورت معمول با کنترل کردن یا با اداره غیررسمی و یا با نگاه داشتن مواضع رسمی غیرانتخابی، در رأس قدرت باقی می‌مانند. تظاهرات اعتراضی قرقیزستان زمانی دامنه گسترده پیدا کرد که باقی‌یاف، به پسر خود ماکسیم، مقام بالای حکومتی داد و به احتمال زیاد وی را برای جانشینی خود و به دست گرفتن رهبری قرقیزستان آماده می‌کرد. شاید چندان بی‌دلیل نبود که در جریان تظاهرات بیشتر فروشگاه‌ها و اداره‌های دولتی مورد حمله قرار گرفته و غارت شدند.

ماکسیم باقی‌یاف فرزند دوم رئیس جمهور قرقیزستان است و در ۱۰ سال گذشته بخش حقوقی دانشگاه اسلاوینیه بیشکک را اداره می‌کرده است. وی تاکنون در مقام‌های بالای حکومتی مسئولیت داشته است و مسئولیت تهیه استراتژی شورای مدیران شرکت دولتی «لیتوانی ماوال استیویتی»^۱ را بر عهده داشته است. او علاوه بر این، به مقام مهم ریاست آژانس دولتی سرمایه‌گذاری قرقیزستان انتخاب شد (Mishra, 2010, p. 4). برداشت اکثریت مخالفان از این تصمیم چنین بود که باقی‌یاف با به قدرت رسانیدن فرزندان در رده‌های بالای دولتی و دادن مناصب بالا به آنان، در واقع می‌خواهد راه را برای تکرار سناریوی آذربایجان در کشورش هموار کند. ماکسیم باقی‌یاف در خانواده رئیس‌جمهوری قرقیزستان تنها مقام مسئول دولتی نبود. فرزند دیگر قربان‌بیک باقی‌یاف، مارات است که مشاور رئیس خدمات امنیت ملی بود.

از دیگر اعضای خانواده ریاست جمهوری، برادرش چانیش باقی‌یف^۱، رئیس خدمات حفاظت دولتی و دو برادر دیگر رئیس‌جمهور، مرات و عادل، یکی سفیر قرقیزستان در آلمان و دیگری نماینده تجارت بیشکک در چین هستند (Mishra, 2010, p. 4). حرکت به سوی دموکراسی، هر دو عملکرد ایجاد و نگهداری سیستم مبتنی بر شایستگی انتصاب و برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه را، پیش فرض خود دارد که در قرقیزستان نه تنها شاهد هیچ یک از این دو نبوده‌ایم، بلکه این دو مسئله روندی معکوس را طی کرده‌اند (Juraev, 2010, p. 69).

- رقابت نخبگان سیاسی

فهم مسائل قرقیزستان بدون تأمل بر بازی نخبگان سیاسی در این کشور کامل نیست. می‌توان تحولات سیاسی اخیر در این کشور را از این نظر نیز بررسی کرد. نخبگان سیاسی قرقیز، درگیر بحران بی‌اعتمادی در بین خود هستند. این مسأله باعث شده است که هر کسی به قدرت برسد، متمرکز کردن قدرت را شرط مهمی برای بقای خود بداند. مانند دیگر کشور-های آسیای مرکزی، نخبگان سیاسی در این کشور، بیشتر همان قشر رهبری سیاسی هستند، که از درون حزب کمونیست بیرون آمده‌اند. از این دیدگاه، رهبری سیاسی این کشور هیچگاه تغییر نکرده است. هم تحولات سال ۲۰۰۵ میلادی و هم تحولات اخیر، توسط همین حلقه سیاسی رهبری شد.

خانم آتنبایوا یکی از همین رهبران است که توسط رهبران انقلاب ۲۰۰۵ از دایره قدرت حذف شد و همین عامل موجب قرار گرفتن وی، در مقابل جنبشی شد که خود قسمتی از رهبری آن را بر عهده داشت. در نتیجه شرایط برای جمع شدن مخالفین در کنار وی فراهم شد. در واقع تقسیم قدرت ناعادلانه و حذف یاران انقلابی از دایره قدرت باعث قرار گرفتن آنها در مقابل دولت شده است (Jackson, 2010, p. 12). باید گفت که حذف رقیبان از ساختار قدرت، حکومت را بیش از پیش در برابر رقیبانی که سال‌ها بخشی از ساختار امنیتی و سیاسی در کشور بوده‌اند آسیب‌پذیر می‌کند.

1. Chanish Bakiyev

این رهبران اگر چه از نظر ایدئولوژیک باهم تفاوتی ندارند، اما به گروه‌های مختلفی تقسیم شده، احزاب مختلفی را رهبری و قبایل متفاوتی را نمایندگی می‌کنند. قبیله‌گرایی و سمت‌گرایی در بین این نخبگان که به ابزار بسیج سیاسی تبدیل شده‌اند، به چالش‌ها و بحران مشروعیت سیاسی در کشور افزوده است (Jackson, 2010, p. 13).

نخبگان سیاسی در قرقیزستان درگیر اختلاف‌های شخصی و سمتی هستند و با سیاسی‌کردن هویت‌های قومی - قبیله‌ای در پی رسیدن به قدرت و پست‌های دولتی هستند. حمایت قبیله و منطقه شرط لازم رقابت برسر قدرت در میان این نخبگان است. این نخبگان از شکاف سیاسی میان شمال و جنوب کشور به‌عنوان ابزار رسیدن به قدرت دولتی استفاده می‌کنند. این مسأله نقش مهمی در تغییرات اخیر در این کشور داشته است.

- خانم آتنبایوا

شخصیت‌های بزرگ سیاسی، اجتماعی، نظامی، فرهنگی و علمی در سطح‌های مختلفی از نفوذ و اقتدار، در تحولات سیاسی - اجتماعی و حرکت تاریخ مؤثر هستند. واضح است که شعاع تأثیرگذاری این افراد یکسان نیست و شخصیت‌های پرنفوذ سیاسی - فرهنگی، نقش و تأثیرگذاری بیشتری در تحولات اجتماعی - تاریخی دارند. در نتیجه نمی‌توان از آنها به‌عنوان عوامل مؤثر بر حوادث چشم‌پوشی کرد. در اینجا به‌طور مختصر زندگینامه خانم آتنبایوا و تأثیر او را بر این تحول بررسی می‌کنیم.

رزا آتنبایوا متولد ۲۳ اوت ۱۹۵۰، در شهر اوش قرقیزستان است. وی در سال ۱۹۷۲ در رشته فلسفه از دانشگاه مسکو فارغ‌التحصیل شد و از سال ۱۹۸۱ زندگی سیاسی خود را در حزب کمونیست آغاز کرد. آتنبایوا در اواخر سال ۱۹۸۱ به‌عنوان رئیس نمایندگان شوروی در یونسکو منصوب شد و در سال‌های آخر عمر اتحاد جماهیر شوروی، به‌عنوان سفیر این کشور در مالزی فعالیت کرد. پس از آنکه قرقیزستان از شوروی استقلال پیدا کرد و عسگر آقایف رئیس‌جمهور این کشور شد، همزمان به‌عنوان وزیر امور خارجه و معاون نخست‌وزیر این کشور انتخاب شد. وی تا هنگامی که به‌عنوان نخستین سفیر قرقیزستان در آمریکا و کانادا انتخاب شود، همچنان در سمت خود باقی مانده بود.

آتنباویا بار دیگر در سال ۱۹۹۴ به مدت یک سال دیگر، در سمت وزیر خارجه فعالیت کرد. از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ به عنوان نخستین سفیر قرقیزستان در انگلیس و از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ به عنوان معاون رئیس گروه ویژه سازمان ملل در گرجستان منصوب شد. او اواخر سال ۲۰۰۴ به قرقیزستان بازگشت و در عرصه سیاسی فعال شد. در دسامبر سال ۲۰۰۴ وی و سه تن دیگر از اپوزیسیون پارلمان قرقیزستان حزب «آتا-جرت میهن»^۱ را تأسیس و خود را برای انتخابات پارلمانی فوریه سال ۲۰۰۵ در قرقیزستان آماده کردند.

آتنباویا نتوانست به عنوان نماینده در انتخابات پارلمانی شرکت کند. چون براساس قوانین قرقیزستان هر کسی که به عنوان نماینده فعالیت می کند، باید دست کم پنج سال در قرقیزستان اقامت داشته باشد و با توجه به مأموریت های خارج از کشور آتنباویا، وی نمی توانست در انتخابات پارلمانی کاندیدا شود. خانم آتنباویا که در تحولات سال ۲۰۰۵ باقی یف را همراهی می کرد و جزو رهبران این جنبش محسوب می شد، پس از پیروزی جنبش وزیر خارجه دولت باقی یف شد. سرانجام در سال ۲۰۰۷ در انتخابات پارلمانی این کشور و در فهرست حزب سوسیال دموکرات، وارد پارلمان قرقیزستان شد و تا اکتبر ۲۰۰۹ به عنوان رهبر مخالفان در پارلمان این کشور فعالیت کرد (Campante, 2010, p. 3).

از نظر شخصیت سیاسی، خانم آتنباویا نسبت به همه سیاستمداران قرقیز از جایگاه بالاتری برخوردار است. او در ظرف چند سال اخیر بیانیه ها، انتقادات و نظرات رهبران مخالف را مشروعیت بخشیده، زیرا دیگر رهبران مخالفان مقام رسمی و یا نمایندگی در مجلس نداشته اند. به این دلیل او در شکل گرفتن مقاومت جناح های مخالف با حکومت باقی یف نقش عمده ای داشته است.

از طرفی نقش خانم آتنباویا در تعیین مسیر قانونی و منطقی این تحولات مهم خواهد بود، زیرا وی با توجه به آنکه ۵ دوره عهده دار وزارت خارجه کشور بوده و همچنین سفیر کشور خود در اروپا بوده و در نهادهای سازمان ملل نیز مسئولیت داشته است، با استفاده از نفوذ داخلی و خارجی خود، بهتر از دیگر گزینه ها به تثبیت وضع سیاسی این کشور کمک می کند.

1. Ata-Jurt (Fatherland)

۲- عوامل فرهنگی

نقش عوامل فرهنگی در گسترش فساد در قرقیزستان دارای اهمیت است. نفوذ خویشاوند-سالاری و پیوندهای قبیله‌ای و خاندانی، شخصیت‌پرستی، مسئله تعارض بین قوم‌های شمالی و جنوبی و... در داخل ساخت قدرت و دستگاه دولتی، در این پدیده بسیار تاثیرگذار بوده است. چنانکه تحولات صورت گرفته را جدای از اینگونه مسائل نمی‌توان مورد بررسی قرار داد.

- تأثیر اختلاف‌های قومی (شمال - جنوب)

کشورهای جدید در آسیای مرکزی که پس از فروپاشی اتحاد شوروی ظهور کردند از نظر قومی و منطقه‌ای، جمعیت ناهمگونی را به ارث برده‌اند و هیچ وابستگی بین مرزهای قومی و سیاسی این منطقه وجود ندارد. تغییرات سیاسی و اقتصادی پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، در ظاهر به تشدید بالقوه درگیری قومی به‌ویژه در مناطق پرجمعیت مانند دره فرغانه در جنوب قرقیزستان (خشونت و درگیری مسلحانه بین ازبکستان و قرقیزستان در ژوئن ۱۹۹۰) انجامیده است.

بعد از تصاحب قدرت توسط مخالفین آقایف در ۲۴ مارس ۲۰۰۵ می‌توان گفت که مخالفین از قومیت به‌عنوان شاخصه‌ای برای بسیج سیاسی استفاده کردند. در بسیاری از موارد وفاداری سیاسی به قبیله، به‌جای وفاداری سیاسی به حزب تعریف شده است. در واقع یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد قدرت در این کشور، ادامه نقش قبایل و مناطق در جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور است. قبیله‌گرایی^۱ و وجود زمینه‌های متعدد برای تفرقه، مانند فاجعه‌ای برای کشور بحران‌زده و ناآرام قرقیزستان هستند.

این کشور به‌دلیل وجود رشته کوه‌های مرتفع تقریباً به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شده است. پایتخت این کشور در شمال واقع شده و بیشتر قدرت سیاسی و اقتصادی در دست شمالی‌ها بوده است. ارتباطها و راه‌های حمل‌ونقل شمال نیز از اهمیت برخوردار بوده‌اند. در همان حال منطقه جنوب از نظر بافت قومی، مسایل اجتماعی و مذهب تفاوت‌های اساسی با شمال دارد. در مناطق شمال، اقوامی ساکن هستند که پذیرای فرهنگ غربی‌اند، ولی از نظر

1. Clanism

سیاسی به خط‌مشی‌های روسیه نزدیک‌ترند. اما جنوبی‌ها گرایش ملی‌تری دارند و گروهی از آنان نیز دارای تفکرات اسلامی هستند. دره فرغانه که نامی آشنا در تاریخ آسیای مرکزی است بین سه جمهوری تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان تقسیم شده است. این دره از نظر جمعیتی، هویتی اسلامی دارد (کولایی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۰).

تحولات موسوم به انقلاب رنگی قرقیزستان (۲۰۰۵) را می‌توان از یک جهت قیام جنوبی-های همواره معترض به از بین رفتن حقوقشان توسط شمالی‌ها، قلمداد کرد که باید در قالب جغرافیای سیاسی- فرهنگی قدرت در این کشور تفسیر شود که با نارضایتی‌های اقتصادی و ناخوشنودی از سیاستمداران حاکم، تحریک و تقویت شده بود (شجاعی، ۱۳۸۴، ص ۴۳). در دوران سقوط دولت آقایف، رهبر اپوزیسیون جنوب، باقی‌یاف و رهبر اپوزیسیون شمال، کولوف نام داشتند. بنابراین میان دو گروه مخالف شمال و جنوب توافقی علیه آقایف صورت گرفت و تظاهرات از جنوب قرقیزستان آغاز شد.

با سقوط دولت آقایف، اختلاف بین شمالی‌ها و جنوبی‌ها آغاز شد. کولوف بر این اعتقاد بود، پارلمان انتخاب شده که شمالی‌ها در آن دست بالا را داشتند، قانونی است و باید به‌کار خود ادامه دهد. اما باقی‌یاف معتقد بود پارلمان انتخاب شده غیرقانونی است (کولایی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۱). گروهی از تحلیل‌گران سیاسی معتقدند؛ دگرگونی سیاسی در پی اعتراض‌های سال ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰، از یک نظر چیزی به جز جابجایی قدرت میان نخبگان جنوبی و شمالی نیست و حوادث اخیر، نقطه مقابل تحولات سال ۲۰۰۵ میلادی است. قدرت سیاسی که در پی سرنگونی حکومت عسگر آقایف به قبایل جنوب قرقیزستان تعلق گرفته بود، اینک در پی دگرگونی اخیر، دوباره به قبایل و نخبگانی از شمال برگشته است. به همین علت، کارشناسان، احتمال بروز جنگ داخلی را بعید نمی‌دانند.

اما نقطه مقابل دیدگاه نخست، دیدگاهی است که موضوع قرار گرفتن شمالی‌ها در مقابل جنوبی‌ها را منتفی می‌داند. باید توجه داشت که ترکیب جغرافیایی و قبیله‌ای مخالفان باقی‌یاف تا حدودی متوازن است و در دولت موقت امروز نیز بسیاری از شخصیت‌ها را می‌توان دید که متولد جنوب قرقیزستان هستند. برای نمونه خانم آتنبایوا (رهبر فعلی مخالفان) خود متولد یک

شهر جنوبی (شهر اوش، زادگاه باقی‌یاف) است. آموربیک تکییاف^۱ و عظیم‌بیک نظراف، معاون‌های وی هر دو از جلال آباد هستند، و یا اسماعیل اسحاق، وزیر دفاع که از جنوب و از وادی اولوی^۲ است (Cooley, 2010, p. 6). به هر حال، این مسأله یک معادله چندمجهولی است و به راحتی قابل تفسیر نیست و متغیرهای زیادی در آن دخیل هستند.

۳- عوامل اقتصادی

همواره در همه اعتراض‌ها دلایل اقتصادی یکی از موارد قابل‌بحث و بسیار مهم برای تحلیل‌گران بوده است. این عوامل در هر کشور می‌تواند عاملی برای فشار بر مردم و در نتیجه اعتراض آنها باشد. کشورهای تازه استقلال‌یافته پس از فروپاشی شوروی از یک سو دچار فروپاشی نظم اقتصادی قدیم و از سوی مشکلات جایگزین کردن آن با نظم اقتصادی نوین شده‌اند. تاریخ این کشورها تلاش آنها برای رشد تولیدات داخلی و بازیابی فرصت‌های اقتصادی در نظام بین‌الملل را نشان می‌دهد. در قرقیزستان در پی بروز بحران اقتصادی حدود ۴۰ درصد از مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

نبرد زیرساخت‌های مناسب و دسترسی به خدمات اولیه عمومی مانند سیستم آب و فاضلاب عمومی، بهداشت و آموزش و پرورش از زمان استقلال به‌شدت بدتر شده است. انتقال ارز توسط مهاجران قرقیزستان و یا بازگشت این مهاجران و افزایش سطح بیکاری، احتمال افزایش تنش‌های اجتماعی را به‌شدت بالا برده است (Kassenova, 2009, p. 9). با توجه به بررسی‌های انجام شده این نتیجه مشخص شد که اگر اعتراض‌های گسترده در این کشور با دیدگاه اقتصادی بررسی شود، باید آن را به دو عامل زیر تقسیم کرد. در نتیجه سعی شده است همه علت‌های اقتصادی تحولات اخیر، در این دو مورد خلاصه و جمع بندی شوند.

- اقتصاد نابسامان و فقیر بودن کشور از نظر منابع

در اولین سال‌های پس از اصلاحات ارضی، رشد کشاورزی در قرقیزستان چشمگیر بود و کمک مؤثری به رشد تولید ناخالص ملی می‌کرد. با این حال این رشد تولید تنها تا زمانی که

1.Omurbek Tekebayev

2.Oolui

هنوز تجهیزات باقی مانده از شوروی وجود داشت و خاک بارور بود ادامه یافت. به علت افزایش مدام قیمت‌ها، کشاورزان قادر به خرید دانه‌های پربازده و کودهای مرغوب نبودند. به این دلیل خاک‌های کشاورزی فقیر شدند. از طرفی افزایش قیمت سوخت و بلایای طبیعی وضعیت را بدتر کرد. کشت گندم و چغندر و پنبه به دلیل سوددهی پایین کاهش شدیدی پیدا کرد و بیکاری روستاییان افزایش یافت.

این وضعیت بحرانی به خصوص در نیمه جنوبی کشور وضعیت را برای سران حکومتی بدتر می‌کرد. قطعه‌های کوچک زمین، هزینه‌های زندگی را پوشش نمی‌داد. بسیاری از مردم روستایی به شهرهای بزرگ مانند بیشکک و اوش مهاجرت کردند و بر مشکلات دولت نیز افزوده شد. مدیریت این مهاجرت‌ها بسیار مشکل‌ساز بود. از طرفی با توجه به فساد اداری موجود در قرقیزستان به درستی نمی‌توان از منابع طبیعی آن استفاده کرد. با توجه به همین فساد اداری در این سالها حتی تولید طلا هم کاهش یافته است و این کاهش تولید در حالی صورت گرفته است که شاهد افزایش قیمت جهانی طلا بوده‌ایم (Mark, 2009, p. 13).

همچنین بسیاری از مردم برای تأمین معیشت با مهاجرت به دیگر کشورها از جمله روسیه، مقدار زیادی از ارز کشور را خارج می‌کنند و این امر در کاهش قدرت اقتصادی دولت بسیار تأثیر داشته است. در مجموع سطح بالایی از فساد، نظام آموزش ناکافی، زیرساخت‌های ضعیف و ناکارآمد و قطع مکرر برق، مانع رشد اقتصادی بوده است. با توجه به داده‌های بانک جهانی، درآمد حاصل از خصوصی‌سازی در قرقیزستان فقط بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ بوده است (Libman, 2006, p. 503).

- افزایش بهای انرژی و خدمات عمومی

قرقیزستان سرزمینی است که از نظر منابع نفت و گاز غنی محسوب نمی‌شود. به همین دلیل برای تأمین نیازهای سوختی خود به دیگر جمهوری‌های منطقه مانند ازبکستان و قزاقستان وابسته است (شیرازی و مجیدی، ۱۳۸۲، صص ۲۷-۲۵). برخی ریشه اصلی ناآرامی‌ها را افزایش قیمت خدمات آب، برق و گاز و در واقع انرژی می‌دانند که مشکل بزرگی را در منطقه فراهم آورده است.

در زمان حاکمیت شوروی، قرقیزستان تأمین‌کننده آب کشورهای جنوبی بود و به‌علت اهمیت ندادن به تولید برق، پس از فروپاشی شوروی با افزایش قیمت نفت و گاز مواجه شد. در نتیجه توانایی پرداخت انرژی با قیمت بازارهای بین‌المللی را نداشت و چون بیشتر مصرف‌شان غیرصنعتی و شهری بود، بنابراین افزایش قیمت انرژی بر خانوارها فشار وارد می‌آورد (Abbink & Other, 2010, p. 312).

کمبود شدید برق و قطع طولانی مدت آن در زمستان ۲۰۰۸-۲۰۰۹ به بحران زود هنگام انرژی تبدیل شد. سطح آب موجود در پشت سدها به‌شدت کاهش یافت و در نتیجه بهره‌برداری از نیروگاه‌های برق-آبی مختل شد. دولت باقی‌یاف با بحران انرژی، هم برای صنعت و هم برای مصارف خانگی روبرو شد و در نتیجه با اعلام گرانی تعرفه‌ها دچار بحران، و در نهایت سرنگونی شد (Juraev, 2010, pp. 134). در هر صورت اعتراض‌ها هنگامی جنبه عینی پیدا کرد که دولت باقی‌یاف اعلام کرد قصد افزایش قیمت انرژی را دارد.

ب- عوامل خارجی

۱- سازمان‌های غیر دولتی^۱

قدرت نرم به‌علت خصوصیت فریبنده آن از هزینه بسیار کمتر و کارایی بیشتری برخوردار بوده است. قدرت نرم توان یک کشور برای دستیابی به اهدافش از راه جذابیت و نه اجبار یا تنبیه است (Nye, 2005, p. 13). از دیدگاه نای در قدرت سخت، رسیدن به هدف دشوار است، زیرا بسیاری از منابع مهم خارج از کنترل دولت‌ها قرار دارند و اثرات آن به‌شدت به‌پذیرش توسط مخاطبان دریافت‌کننده بستگی دارد. اما منابع قدرت نرم بیشتر به‌صورت غیرمستقیم و با شکل‌دادن به محیط‌زیست برای سیاست، حمایت از حقوق افراد و سازمان‌ها شکل می‌گیرد (Nye, 2004, p. 16).

در کشورهایی که اعتراض‌ها منجر به تغییر ناگهانی دولت شده و در کشورهایی که خود را هدف این اعتراض‌ها می‌بینند، چنین معروف شده است که دولت آمریکا یا دست‌کم نهادهایی در این کشور با آموزش، فعال‌سازی و سرمایه‌گذاری در تحولات رنگی و شبه‌انقلاب‌ها

1. Nongovernmental Organizations (NGOs)

نقش دارد. بنیاد سوروس یکی از این نهادهاست که گفته می‌شود به یکی از عوامل نفوذی ابرقدرت‌ها در کشورهای مختلف تبدیل شده است.

بنیاد سوروس^۱ با نام اصلی بنیاد جامعه باز متعلق به جورج سوروس، سیاست‌مدار و سرمایه‌دار آمریکایی، در سال ۱۹۹۳ تأسیس شد. مؤسسه‌ای که در بیش از ۵۰ کشور که بیشتر در اروپای شرقی و مرکزی و اتحاد شوروی هستند، فعالیت دارد. هدف بنیادهای سوروس همانا «تبدیل جوامع بسته به جوامعی باز و حمایت و بسط ارزش‌های جوامع باز در جوامع بسته است» (Jonsson, 1995, p. 23).

با آغاز دهه ۱۹۹۰، بنیادهای سوروس در جمهوری‌های شوروی نفوذ یافتند. مخالفان بنیاد سوروس مدعی‌اند که این بنیادها با فعال کردن سازمان‌های مطالعاتی در کشورهای مختلف و سپس با ارزیابی قدرت بالقوه و بالفعل مخالفان دولت مرکزی و حمایت از مطبوعات مخالف دولت، زمینه را برای انقلاب‌های آرام و به شکست‌کشاندن سیاست‌های دولتی فراهم کرده‌اند (Lyndon & Other, 2008, p. 241).

گفته می‌شود در عمل هر اتفاقی که برای جامعه مدنی، در قرقیزستان رخ می‌دهد از سوی بنیادهای آمریکایی یا آژانس آمریکا برای توسعه بین‌المللی، تأمین مالی شده است که یا از مسیر آمریکا ایجاد شده و یا آنکه مورد حمایت آن قرار گرفته است. اخیراً سازمان‌هایی غیردولتی غربی و به‌ویژه آمریکایی در جنوب قرقیزستان دست به ابتکار جدیدی زدند که قابل ملاحظه است. این سازمان‌ها توسط کارمندان مجله حقوق همگانی^۲ نامه‌هایی به کنسول روسیه در شهر اوش ارسال کرده و از این مقام روسی درخواست کرده‌اند، درباره پایگاه جدید نظامی روسیه در جنوب قرقیزستان توضیح دهد (ایران شرقی، ۱۳۸۹، ص ۲).

حال این پرسش منطقی مطرح می‌شود که جمع‌آوری اطلاعات نظامی چه ارتباطی به سازمان‌های غیردولتی دارد؟ در حال حاضر بیش از ۴ هزار سازمان غیردولتی در قرقیزستان فعالیت می‌کنند. دست‌های پنهان این سازمان‌های غیردولتی و دخالت‌های آنها در سیاست‌های قرقیزستان و همراهی باقی‌یافتن با اینگونه سازمان‌ها می‌تواند یکی از علت‌های نارضایتی مخالفان و روس‌ها در این کشور باشد که سرانجام موجب سقوط دولت باقی‌یافتن شد.

1. Soros Foundation
2. Universal Rights

۲ - رقابت آمریکا و روسیه

در تاریخ استراتژیک قرقیزستان سه عامل مکان، حقوق انسانی و انرژی بسیار مهم بوده است. واقعیت این است که اهمیت مکانی قرقیزستان به علت وجود روسیه و رقابت آن با آمریکا، چین، ایران، افغانستان و در نزدیکی پاکستان و هند بودن همیشه قابل ملاحظه بوده است (Boyer, 2006, p. 113).

در اینجا پرسشی که بیشتر مطرح می‌شود این است که آیا تداوم رقابت آمریکا و روسیه موجب بروز این تحولات در منطقه شده است؟ آسیای مرکزی همواره مورد توجه دولت‌های بزرگ بوده و هرکدام از این کشورها برای حضور بیشتر خود در منطقه به دنبال موقعیت‌های مناسب‌تری هستند. آنچه که مهم است موقعیت ژئواستراتژیک کشور کوچک و فقیر قرقیزستان است که بحث موازنه و یا اصطکاک منافع آمریکا و روسیه را پیش آورده است و بیشتر باید از این نظر این تحولات را تحلیل کرد. هرچند در این میان از چین (همسایه شرقی قرقیزستان) هم نباید غافل بود.

برخی معتقدند با توجه به سرعت تحولات، که در کمتر از سه روز به واژگونی دولت انجامید، دست‌های خارجی در سرنگونی رئیس‌جمهور دخالت داشته‌اند، و با توجه به گرایش‌های غربی و آمریکایی باقی‌یافت و وجود پایگاه ماناس در قرقیزستان، انگشت اتهام خود به خود به سمت روسیه نشانه می‌رود، اما روس‌ها به شدت این موضوع را تکذیب کرده‌اند. ولادیمیر پوتین، نخست‌وزیر روسیه، در یک کنفرانس مطبوعاتی در لهستان، به صراحت اظهار داشت که مقام‌های روس هیچ‌گونه ارتباطی با تحولات جاری قرقیزستان ندارند (Ria Novosti, 2010, p. 6). حمایت آمریکا از باقی‌یافت، در شرایطی که تنها به افزایش قدرت شخصی خود می‌اندیشید، به شدت رهبران و مردم قرقیز را نسبت به آمریکا، آزرده‌خاطر کرد و زمینه قیام آنها علیه رئیس‌جمهور را فراهم کرد.

- نقش آمریکا

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در اندیشه هیأت حاکمه آمریکا این تفکر جای گرفت که این کشور فرصت لازم را برای حضور سیاسی خود در کشورهای تازه استقلال‌یافته پیدا کرده است و از این راه می‌تواند در ابعاد دیگر نیز به موفقیت‌هایی دست یابد. بی‌تردید مهم‌ترین هدف‌های راهبردی ایالات متحده در منطقه آسیای مرکزی، جلوگیری از سلطه یا اقتدار کامل روسیه بر این کشورها است.

سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در این منطقه در چند مرحله شکل گرفت که مرحله نخست، به رسمیت شناختن استقلال این کشورها و توسعه نفوذ خود بود. مرحله دوم، اعطای کمک‌های اقتصادی به دولت‌های تازه شکل گرفته در این منطقه و بازسازی وضعیت اقتصادی آنها و مرحله سوم، توسعه نفوذ سیاسی برای همراه کردن آنها با سیاست خارجی آمریکا در صحنه روابط جهانی بود.

در مورد تحولات اخیر باید یادآور شد که برای آمریکا تثبیت و ادامه حیات دولت قرقیزستان مهم بود، زیرا باقی‌یافتن رئیس‌جمهور منطقه آسیای مرکزی بود که در زمینه ایجاد چندین مرکز و پایگاه نظامی جدید آمریکا در کشورش با واشنگتن به توافق رسیده بود و در این مرحله تغییر دولت می‌تواند برنامه‌های آتی نظامی آمریکا را در این کشور مختل کند.

- پایگاه هوایی ماناس

ماناس نام یک شخصیت اسطوره‌ای در تاریخ قرقیزستان است که توانست قرقیز (به معنی چهل قبیله) را در مقابل خانات ختن حفظ کند و کشوری را که امروز قرقیزستان می‌خوانیم، به وجود آورد (ادهم، ۱۳۷۴، ص ۸). اما اکنون ماناس نام پایگاهی هوایی است که در نزدیکی بیشکک قرار دارد. این پایگاه را دولت قرقیزستان از اکتبر سال ۲۰۰۱ (همزمان با اشغال افغانستان) به آمریکا اجاره داده است.^۱ پایگاه ماناس در اصل، نقش لجستیکی را برای آمریکا و ناتو در جنگ افغانستان دارد و ماهانه حدود سی و پنج هزار نظامی آمریکایی از افغانستان به این پایگاه و برعکس، رفت‌وآمد می‌کنند.

می‌توان پایگاه ماناس را به‌عنوان مهم‌ترین نقطه متأثر از متغیرهای خارجی در این تحولات برشمرد. از اتهام‌های مخالفان این است که آمریکا را متهم به کارگیری سیاست دوگانه در مورد دموکراسی می‌کنند و بیان می‌دارند که واشنگتن در همه‌جا خود را حامی دولت‌ها و ارزش‌های دموکراتیک می‌داند، اما در قرقیزستان از فرد مستبدی مثل باقی‌یافتن حمایت می‌کند. حال این احتمال می‌رود که وقوع این تحول در رویکرد سیاسی قرقیزستان

۱. روسیه نیز در قرقیزستان یک پایگاه نظامی متعلق به خود دارد (پایگاه هوایی کانت در ۳۰ کیلومتری بیشکک پایتخت قرقیزستان مستقر است) و از این نظر، نوعی موازنه قدرت میان مسکو و واشنگتن در قرقیزستان به وجود آمده است.

مؤثر باشد و آن را از حالت همراهی با آمریکا به انتقاد از آن تغییر دهد. مقام‌های آمریکایی در روزهای نخست فرار باقی‌یاف به جنوب، موضع مشخصی در مورد تحولات قرقیزستان نداشتند و این نشان می‌داد که این تحولات برای کاخ سفید غافلگیرکننده و در عین حال نگران‌کننده بوده است.

هیلا ری کلیتون، وزیر خارجه، و دیگر فرستادگان آمریکایی به قرقیزستان، ابتدا بنای گفت‌وگو با سران مخالف و به‌خصوص خانم آتنبایوا را گذاشتند و پس از آنکه در مورد بقای پایگاه ماناس و حفظ منافع خود مطمئن شدند، باقی‌یاف را در جنوب (جلال‌آباد) به حال خود رها کردند و دولت موقت را به رسمیت شناختند (Goetz, 2010, p. 3). حتی در واشنگتن نیز کاخ سفید حاضر نشد ماکسیم (فرزند رئیس جمهوری فراری قرقیزستان) را برای مذاکره بپذیرد و وی مجبور شد آمریکا را ترک کند و به لتونی برود.

- نقش روسیه

کشورهای آسیای مرکزی بخشی از شوروی بوده و مسکو به‌عنوان مهم‌ترین جمهوری آن، نقش زیادی در تعیین رؤسای این جمهوری‌ها داشته است. از اواسط سال ۱۹۹۲ تغییرات آشکاری در سیاست روسیه نسبت به آسیای مرکزی به‌دلایل زیر صورت گرفته است.

الف- وابسته بودن امنیت روسیه و دولت‌های آسیای مرکزی به یکدیگر،

ب- نفوذ و فشار خارجی بر این دولت‌ها،

ج- نگرانی از تهدید بنیادگرایی اسلامی (داداندیش، ۱۳۸۴، ص ۱۶۲).

روسیه می‌خواهد در این منطقه مبلغ یک بازی مثبت باشد و با متمرکز شدن بر منافع ملی، عناصر پشتیبان، تعادل، اجبار و تحمیل را شناسایی کند (Freire, 2009, p. 49). در ثبات و پایداری دولت‌های منطقه آسیای مرکزی، روسیه بیش از آمریکا می‌تواند نقش ایفا کند. زیرا مسکو از نظر جغرافیایی، قومی، اقلیمی و تاریخی نزدیکتر از واشنگتن به کشورهای آسیای مرکزی است. این نزدیکی مسکو و بیشکک باعث شده روسیه این کشور را به‌عنوان حیات خلوت خود بداند (Mesbahi, 1993, p. 211).

روسیه با کمک‌های مالی ۲۵۰ میلیون دلاری خود در تابستان سال گذشته، زمینه تعدیل وضع اقتصادی و مالی قرقیزستان را فراهم کرد و با وعده اعطای اعتبار ۱ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلاری برای ساخت سد و نیروگاه قنبرآتای ۲ و کمک بلاعوض ۱۵۰ میلیون دلاری، قرقیزستان را از بحران مالی نجات دهد. روسیه در مقابل این کمک‌های مهم و سرنوشت‌ساز به قرقیزستان، انتظار داشت دولت باقی‌یافت‌یافته جهت‌گیری‌های سیاسی خود را به سمت مسکو تغییر دهد.

این در حالی است که باقی‌یافت‌یافته‌های خود را با آمریکا گسترش داد. قرقیزستان تا آنجا پیش رفت که قرار داد ساخت یک پایگاه نظامی را که در چارچوب پیمان امنیت دسته‌جمعی کشورهای همسایه روسیه امضا کرده بود، در تعلیق گذاشت و این موقعیت را به آمریکا سپرد. پس از این اقدام، از جانب روسیه تدابیری اندیشیده شد که اقتصاد قرقیزستان را با مشکل رو به رو کند و به فضای سیاسی نیز اثر گذارد. قبل از همه، روسیه اتحادیه گمرکی تشکیل داد و قرقیزستان را به آن راه نداد، به این ترتیب قرقیزستان هنگام صادرات کالای خود به خارج، با مشکلات زیادی رو به رو شد. علاوه بر این تقریباً سه هفته پیش از ناآرامی‌های قرقیزستان یعنی از ۱۵ مارس به این سو در روزنامه‌های دولتی و شبکه‌های تلویزیونی Htb-Ptpt-Opt خبرهای زیادی بر ضد حکومت باقی‌یافت‌یافته پخش می‌شد. در اواخر ماه مارس و پس از اعلام برنامه تظاهرات سراسری توسط اپوزیسیون در قرقیزستان، ولادیمیر پوتین با صدور دستوری فروش سوخت با بهای ارزانتر به جمهوری‌های سابق اتحاد شوروی را که به معاهده جدید گمرکی نپیوسته‌اند، لغو کرد.

تحت تأثیر این وضعیت، بهای سوخت از ابتدای ماه آوریل در قرقیزستان به شدت افزایش یافت. این مسئله به نارضایتی عمومی حاصل از افزایش شدید بهای کالاهای دیگر افزود. همزمان دولت روسیه تماس و گفت‌وگو با رهبران اپوزیسیون را افزایش داد. مقام‌های دولت سابق مدعی‌اند که شماری از رهبران اپوزیسیون قبل از ناآرامی‌ها، با ولادیمیر پوتین دیدار کرده‌اند. آتنبایوا و همکاران وی تقریباً یک ماه قبل، از مسکو دیدن کرده بودند.

به هر حال به نظر می‌رسد که یک پیروزی بزرگ در سیاست خارجی نصیب روسیه شده است. در این میان عده‌ای نیز با اشاره به احتمال ادامه همکاری واشنگتن - بیشکک در زمینه پایگاه نظامی ماناس، بر این عقیده‌اند که دولت آتی در قرقیزستان راه به‌نسبت میانه‌ای را در تعامل

با واشنگتن و مسکو خواهد داشت؛ اما درکل برای اظهارنظر واقعی‌تر در این زمینه باید منتظر ماند و براساس نتایج انتخابات ریاست جمهوری در قرقیزستان به بررسی این موضوع پرداخت.

نتیجه

کشورهای استقلال‌یافته در آسیای مرکزی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی با مشکلات زیادی چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی، مواجه هستند. در بعد خارجی بحران انرژی، تنش‌های موجود میان این کشورها و سپس رقابت آمریکا و روسیه در این منطقه از یک سو و در بعد داخلی بحران هویتی، بحران انتقال قدرت، جنگ‌های داخلی، ساختارهای سیاسی اقتصادی و فرهنگی ناقص و ناکارآمد از سوی دیگر، موجب بروز بحران‌های متعدد در این کشورها در سال‌های اخیر شده است.

در مقاله حاضر با توجه به مطالعه موردی تحولات رخ داده در قرقیزستان، که منجر به تغییر دولت در این کشور شده است، تلاش شد تا به بررسی چرایی این رخداد بپردازیم. در تلاش برای شناسایی این عوامل، آنها را به دو دسته خارجی و داخلی تقسیم کردیم از بعد سیاست داخلی در این کشور به نظر می‌رسد مهمترین عوامل ایجاد بحران، روش دیکتاتوری و خویشتاوندسالاری موجود در دولت است.

در بعد اقتصادی نیز آنچه مهم است، بحران انرژی است که دولت را در این کشور بسیار آسیب‌پذیر کرده است. عمل نشدن به وعده‌های اقتصادی و سیاسی، از جمله مبارزه با فساد و افزایش سطح رفاه عمومی و حتی بدتر شدن فضای اجتماعی و اقتصادی موجب نارضایتی شدید در این کشور شد. در کنار این عوامل، عواملی چون اشغال پست‌های دولتی توسط خانواده رییس‌جمهور، کنترل کرسی‌های پارلمانی از سوی احزاب وابسته به حکومت و کنترل بیشترین بخش اقتصاد به دست گروه خاص که بیشتر از اعضای خانواده دولت‌مردان هستند و محدود کردن آزادی‌های مردمی، وجود رشوه و فساد در مؤسسه‌های دولتی و به زندان افتادن مخالفان سیاسی، همه و همه موجب بروز بحران در این کشور شد.

از بعد فرهنگی، مسئله منطقه‌گرایی و قبیله‌گرایی در این کشور بسیار مهم است. خویشاوند سالاری، شخصیت‌پرستی، مسئله تعارض بین اقوام شمالی و جنوبی و در نهایت پیوندهای قبیله‌ای و خاندانی در داخل دستگاه دولتی و ساخت قدرت در این تحولات بسیار تأثیرگذار بوده است. از بعد خارجی نیز هر محققى که بخواهد تحولات صورت گرفته در این کشور را مورد بررسی قرار دهد، نباید نقش نهادها و سازمان‌ها و انجمن‌های موجود در این کشور که بیشتر وابسته به کشورهای غربی است و هم‌چنین رقابت روسیه و آمریکا برای گسترش نفوذ سیاسی در این کشور را از نظر دور دارد.

منابع و ماخذ

الف- فارسی

۱. ادهم، اسلام (۱۳۷۴)، ماناس: قهرمان حماسی مردم قرقیز، ترجمه میرزا شکورزاده، تهران: نشر الهدی.
۲. داداندیش، پروین (پاییز، ۱۳۸۴)، "روند تکوین سیاست‌های روسیه در آسیای مرکزی"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۱، صص ۱۸۴-۱۵۳.
۳. دفتر مطالعات و خدمات پژوهشی ایران و آسیای مرکزی (فروردین ۱۳۸۹)، ایران شرقی، سازمان‌های غیردولتی غربی عامل بی‌ثباتی در قرقیزستان، قابل دریافت در سایت www.iransharghi.com، تاریخ مراجعه به سایت ۲۳ خرداد ۱۳۸۹.
۴. شجاعی، محمد حسین (بهار ۱۳۸۴)، "انقلاب لاله‌ای قرقیزستان"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۹، صص ۴۸-۳۷.
۵. شیرازی، حبیب‌الله ابوالحسن و محمدرضا مجیدی (۱۳۸۲)، سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، تهران: قومس.
۶. کولایی، الهه (مرداد ۱۳۸۴)، افسانه انقلاب‌های رنگی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۷. کولایی، الهه (۱۳۷۷)، قوانین اساسی فدراسیون روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی، تهران: نشر دادگستر.

۸. واعظی، محمود(پاییز ۱۳۸۴)، "جامعه‌شناسی تغییر در جمهوری‌های سابق شوروی"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۱، صص ۵۶-۴۱.

ب- انگلیسی

1. Abazov, R (2007), "The Parliamentary Election in Kyrgyzstan, February/March 2005", **Electoral Studies**, Vol. 26, No. 2, pp. 529-533.
2. Abbink, Klaus. Lars Christian, Moller. Sarah O'Hara (2010), "Sources of Mistrust: An Experimental Case Study of a Central Asian Water Conflict", **Environ Resource Econ**, No. 45, pp.283-318.
3. Bakiev Kurmanbek(2005), The President of the Kyrgyz Republic, at the General Debate of the 60-th Session of the General Assembly, **Parmanent Mission of the Kyrgyz Republic to the United Nation**, USA: New York.
4. Bingol, yilmaz(February 2004), "Nationalism and Democracy in Post-Communist Central asia", **Asian Ethnicity**, Vol. 15, No. 1, pp. 43 -60.
5. Boyer, Alan Lee (Winter 2006), "U.S. Foreign Policy in Central Asia Risk, Ends, and Means", **Naval war College Review**, Vol. 59, No. 1, pp.103-125.
6. Campante, Filipe R.(April, 2010), "Profile: Roza Otunbayeva", <http://BBC News.co.uk/1/hi/world/asia-pacific/8608656.stm>, (accessed on 19/4/2010).
7. Cooley, Alexander(April 2010), "Expert: Kyrgyzstan Could Face Civil War", [UPI.com.http://www.upi.com/Top_News/Special/UPI-78531270835021/](http://www.upi.com/Top_News/Special/UPI-78531270835021/), (accessed on 9/4/2010).
8. Clifford, Levy (April 2010), "Opposition Claims Control in Kyrgyzstan", *New York Times*. <http://www.nytimes.com/2010/04/08/world/asia/08bishkek.html?hp>, (accessed on 25/4/2010).
9. Dukenbaev, A., and W. W Hansen(2003), "Understanding Politics in Kyrgyzstan", **Demstar Research Report**, Vol. 16, pp.1-18
10. Freire, M. R (2009), "Russian Policy in Central Asia: Supporting, Balancing, Coercing, or Imposing?", **Asian Perspectiv**, Vol. 33 No. 2, pp. 46-54.
11. Go'tz, Elias(April 2010), "Embassy of the United States – Bishkek, Kyrgyz Republic", <http://bishkek.usembassy.gov/>, (accessed on 7/4/2010).
12. Jackson, Nicole(2010), "Soviet and Post-Soviet Politics", **The University of Warwick Department of Politics and International Studies**, Vol. 1, No. 11, pp.12-28
13. Juraev, Shairbek(February 2010), **Back on Track?** Kyrgyz Authoritarianism After the Tulip Revolution Ponars Eurasia Policy Memo American Univesity of Central Asia, Bishkek.
14. Jonsson, Michael(February 1995), <http://www.soros.org/1824370575.htm>, (accessed on 12/4/2010).
15. Kassenova, Nargis (October 2009), The Impact of the Global Economic Crisis on Central Asia and its Implications for the Eu Engagement, **Eucam Working Paper**, No. 5, pp. 9-21
16. Kuchukeeva. Altinay(April, 2010), **BBC News.com**(accessed on 12/4/2010)

17. Libman, A. M. (2006), "The Role of Economic Integration and Disintegration in the Post-Soviet Space: A Quantitative Analysis, **Studies on Russian Economic Development**", Vol. 17, No. 5, pp. 498–507.
18. Lyndon H. and LaRouche Jr(June/July 2008), Your Enemy, George Soros The Soros Dossier Eir. Download from: openpdf.com, (accessed on 4 July 2008)
19. Mark Erin(August 2009), Balance of payments of the Kyrgyz Republic, **National Bank of the Kyrgyz Republic**, www.osec.ch, (accessed on 10/4/2010).
20. Mesbahi, M. (1993), "Russian Foreign Policy and Security in Central Asia and the Caucasus", **Central Asian Survey**, Vol. 12, No. 2, pp.181–215.
21. Mishra, Mukesh Kumar(April 2010), New Role Kyrgyz Government Remains A Family Affair, <http://www.rferl.org/content/With First Sons /1870575.htm>, (accessed on 15/4/2010).
22. Nichol, Jim(April 2010), "Kyrgyzstan Opposition Declares New Government", <http://BBC.News.co.uk/2/hi/asia-pacific/8608708.stm>, (accessed on 8/4/2010).
23. Nye Jr, J. S.(2004), "Decline of America's Soft Power-Why Washington Should Worry, **Foreign Affair**, Vol. 83, pp.16-28,
24. Nye, J. S.(2005), **Soft Power: the Means to Success in World Politics**, Public Affairs.
25. Owen Matthews(April 2010), "Despotism Doesn't Equal Stability", **Newsweek Web Exclusive**, (accessed on 21/4/2010).
26. **RIA Novosti** (April 2010), "Russia not Involved in Kyrgyz Events", <http://en.rian.ru/russia/20100407/158472404.html>, (accessed on 17/4/2010).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی